روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۷۱ | شنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۹ | ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۸ | اذان مغرب: ۱۷:۱۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۱۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۰ |

نقد کتاب | زینب آزاد

نگاهی به کتاب «نان سال‌های جنگ»

زنانه و قهرمانانه

«هر نانی طعم و مزه‌ای دارد. ملت طعم نان سال‌های قحطی را چشیده بودند. آن نان‌ها مزه شکست می‌داد ولی یکی از بهترین و خوش‌طعم‌ترین نان‌ها، نان سال‌های جنگ بود.» همان سال‌هایی که مردان، لباس رزم به تن، برای حفظ خاک و ناموسشان، از همه تعلقات دل کنده و مبارزه را به خفتن زیر سقف و در جای گرم، ترجیح دادند.

«نان سال‌های جنگ» مجموعه روایاتی است از زبان زنانی که در روستای صَدخَرو، در غرب سبزوار به پشتیبانی از جنگ مشغول بودند. زنان روستای صدخرو، نمونه‌ای از زنان انقلابی هستند که عمرشان را پای دفاع از انقلاب و ارزش‌هایش گذاشتند. هر چند این زنان سواد زیادی نداشتند و در دانشگاهی درس نخوانده بودند اما مردانه ایستادگی کردند و شانه به شانه همسران و فرزندانشان، برای ایران و پایداری انقلاب جنگیدند؛ جنگیدند نه به آن معنا که سلاح به دست بگیرند و قناصه بر کمر ببندند، نه! با حفظ حجابشان، با تربیت انقلابی فرزندانشان، با تزریق روحیه مبارزه‌طلبانه به همسرانشان و از همه مهم‌تر با صبرشان با طاغوت و حکومت بعثی جنگیدند. «محمود شم‌آبادی» در این کتاب خوش‌خوان، مجموعه روایت‌های زنانه‌ای را جمع‌آوری کرده است؛ روایت‌هایی که راوی و ایفاگر نقش اصلی آنها زنانی هستند که با فرماندهی «خیرالنسا» مُشت‌مُشت گندم جمع کردند در قحطی آن سال‌ها، با بردباری به آسیاب ریختند، خمیر درست کردند و نان پختند. صبح تا شب! روزها و ماه‌ها... این زنان که هر کدامشان پاره جگری را در جبهه به امانت داشتند، با دلی آشوب اما صبورانه، پای کار ماندند و زیر سایه جهاد سازندگی، پشتیبانی کردند از جبهه‌های دفاع مقدس، با عشق، با ایمان... در مکتب اسلام یاد گرفته بودند که زندگی چیزی نیست جز عقیده و جهاد، برای همین زندگی‌شان شده بود جهاد در راه عقیده. برای همین بود که پای تنور خیس عرق می‌شدند، اما از نان پختن برای جنگ دست نمی‌کشیدند.

شما با یک کتاب کاملاً زنانه و قهرمانانه مواجهید! و شک نکنید که از خواندنش پشیمان نخواهید شد. کتابی که در ۱۴ بخش به بیان خاطرات زنان روستایی پرداخته است. در «ریشه‌ها» از کودکی‌شان می‌گویند. با «مشت و خون» از کشف حجاب اجباری و قحطی، روایت‌های دردناکی را بیان می‌کنند. از انقلاب و امام در «جنگ و جهاد» می‌گویند. به اینجا که می‌رسند، شعف و غرور است که در میان کلماتشان به عمق جان می‌نشیند و پس از آن چادر همت به کمر می‌بندند و «نان سال‌های جنگ» را در تنور خانه‌هایشان می‌پزند.

با «کلوچه‌های تنوری» عطر می‌پاشیدند و عید نوروز را روح تازه می‌بخشیدند و شهادت پاره‌های جگرشان را «شیرین مثل عسل» قلمداد می‌کردند. برای رزمنده‌هایش می‌پختند با «رشته‌های روی طناب». دست به قیچی می‌شدند و این‌بار در نقش «خیاط‌باشی» رزم‌جامه می‌دوختند.

جنگی که سلاح زنانش «میل، قلاب و کاموا» است دیگر چهره زنانه ندارد! اصلاً جنگ برایشان مفهوم ترس‌آوری نداشت. «در انتظار» عزیزان رزمنده‌شان خونِ دل خوردند و با ذکر و دعا عزیزانشان را راهی می‌کردند. دسته گل می‌دادند و «لاله‌های پَرپَر» تحویل می‌گرفتند. سلامتی‌شان را ضمیمه نان‌هایشان می‌کردند و «نذر جبهه» را با دستِ خالی و دلی پُر مهر ادا می‌ساختند. مخلصانه، هر که، هرچه را داشت، بسته‌بندی می‌کرد و «بسته‌ای از صَدخَرو» از شمال شرقی ایران برای جنوب غربی ایران ارسال می‌شد. جنگ که تمام شد، تنور نان سال‌های جنگ هم خاموش شد اما در قلب‌هایشان «انقلاب ادامه دارد» بود. همین سبب شد که پس از عروج امام دوباره نان بپزند، این‌بار نه برای جنگ بلکه در عزای رهبرشان...

این زنان که رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) در وصف عظمت کارشان فرمودند: «وقتی که در تلویزیون می‌بینم این بانوان محترم را که اشتغال به همراهی کردن و پشتیبانی کردن از لشکر و قوای مسلح، ارزشی برای آنها در دلم احساس می‌کنم که برای کسی دیگر نمی‌توانم آن‌طور ارزش قائل شوم. آنها یک کارهایی می‌کنند که دنبالش توقع اینکه یک مقام یا یک پستی را اشغال کنند یا یک چیزی از مردم خواهش کنند، هیچ این مسائل نیست، بلکه سربازان گمنامی هستند که در جبهه‌ها باید گفت مشغول جهاد هستند.»

کتاب «نان سال‌های جنگ»، محصول ۲۴ساعت مصاحبه با زنان روستای صدخرو است که به قلم محمود شم‌آبادی تدوین شده است. بخوانید و خاطراتشان را مزه‌مزه کنید.

چاپ جدید این کتاب در ۱۹۸ صفحه، شمارگان ۲هزارنسخه و قیمت ۲۲هزار تومان به همت انتشارات راه‌یار منتشر شده است و علاقه‌مندان برای تهیه آن، علاوه بر کتابفروشی‌ها می‌توانند به صفحات مجازی ناشر به نشانی raheyarpub یا سایت ammaryar.ir مراجعه کنند.

حکمت

امام حسین(ع):

در قیامت کسی در امان نخواهد بود، مگر آن که در دنیا ترس از خدا در دل داشته باشد.

(مناقب ابن شهر آشوب ج/۴ ص/ ۶۹)

در گفت‌وگوی «جوان» با مازیار بیژنی مطرح شد

خبرنگار بی‌بی‌سی گفت به جای هولوکاست کاریکاتور مسیح را بکشید!

■ **معصومه طاهری**

مازیار بیژنی کاریکاتوریست جوان و متعهد از خطه شمال و شهر بابل از اوایل دهه ۷۰ تاکنون در نشریات مختلف به صورت تخصصی کاریکاتور کشیده است. علاوه بر این بیژنی در نمایش آثارش در عرصه بین‌المللی نیز چهره‌ای نام‌آشناست، کارتون‌های او با موضوع «هولوکاست» توانست در زمان کوتاهی مخاطبان بسیاری از سراسر دنیا جذب کند. توهین نشریه فرانسوی در قالب کاریکاتور به نام آزادی بیان بهانه‌ای شد تا «جوان» دیدگاه این هنرمند را جویا شود.

به طور کلی کارتونیست‌هایی که در فضای بین‌الملل فعالیت می‌کنند چه خط قرمزهایی برایشان وجود دارد؟

بگذارید این مسئله را در مصاحبه‌ای که با آقای ژان پلانتو کاریکاتوریست روزنامه لوموند داشتم، بیان کنم که در سال ۷۸ به عنوان داور دوسالانه کاریکاتور دعوت شده بود، آن زمان اوج فعالیت روزنامه‌های اصلاح‌طلب بود و من با او درباره آزادی بیان مصاحبه کردم. ژان پلانتو به شکلی طلبکارانه پرسید چرا در ایران آزادی بیان نیست، چرا سانسور زیاد است و... به نوعی همه سؤالاتش حول همین موضوع بود، البته این را هم بگویم او قبلاً با بعضی از نشریات دوم خردادی مصاحبه کرده و چیزی مثل طالبان در ذهنش ایجاد شده بود، بر این اساس که در ایران، روزنامه کیهان مخالف آزادی بیان منتشر می‌شود و کاریکاتور هم می‌زند، این تناقض برایش عجیب بود. روزنامه‌ای مخالف آزادی بیان که کاریکاتور هم دارد از مسعود شجاعی‌طباطبایی دبیر جشنواره خواسته بود با کاریکاتوریست کیهان مصاحبه کند، فکر می‌کرد من شکل و ظاهرم مانند طالبانی‌هاست، پرسید چرا در ایران آزادی بیان ندارید و خط قرمزها زیاد است. چرا کاریکاتور یک روحانی و عمامه او و همچنین زن و حجاب ممنوعیت دارد و مدام تکرار می‌کرد که چرا کاریکاتور زن با شلوار جین و کفش آدیداس ممنوع است، من گفتم ممنوع نیست، حتی گفت شما خودت کفش آدیداس پوشیدی، چطور حاضری این را قبول کنی که کاریکاتور زن با کفش آدیداس ممنوع باشد، البته آن زمان دانشجو بودم و کفشم اسپرت ساده بود.

چطور او را قانع کردید؟

ذهنیتش درباره ایران خیلی طالبانی و سیاه بود، به او گفتم هر کشوری خط قرمزهایی دارد، مثل کشور شما که خطوط قرمزی دارد، ما هم همین طور هستیم، البته محدودیت‌ها در ایران کم است و

هنوز بعد از ۱۰ سال تلاش و پیگیری نهادهای فرهنگی و ضدصهیونیستی موفق نشده‌ایم آقایان را راضی کنیم یک پایگاه کاریکاتور ضدصهیونیستی راه‌اندازی شود و اتفاقی نیفتاده است

آزادی بیان زیادی داریم، به غیر از کاریکاتور شخصی که احتمال دارد فرد شکایت کند تا رسیدگی بشود، کاریکاتورها اغلب آزاد هستند. من شنیده‌ام در فرانسه اگر کسی علیه جمهوریت حرفی بزند با او برخورد قانونی می‌کنند یا بحث هولوکاست که در فرانسه به عنوان مهد آزادی بیان عملاً خط قرمز محسوب می‌شود و با انکارکننده هولوکاست برخورد سخت قانونی می‌کنند و این نشان می‌دهد در فرانسه آزادی بیان مطلق وجود ندارد.

عکس‌العمل پلانتو نسبت به این مسئله چه بود؟

او اصرار داشت و می‌گفت در فرانسه هیچ خط قرمزی برای کاریکاتور نداریم، گفتم پس چرا روژه گارودی نویسنده و دانشمندی که هولوکاست را انکار کرد، دادگاهی و زندانی شد، این آزادی بیان است؟! مگر فرانسه مهدی آزادی بیان و دموکراسی نیست، جواب عجیبی داد، گفت نه او حق نداشته است چنین چیزهایی بگوید و بنویسد، چون خلاف حقیقت بوده است برای همین باید مانع او می‌شدند. آن موقع فهمیدم آنها در هر چیزی به جز هولوکاست آزاد هستند، چون بحث صهیونیسم و اسطوره‌های صهیونیسم مطرح است، حق ورود ندارند و با قوانین حقوقی و جزایی برخورد می‌کنند تا درس عبرتی برای بقیه باشد، به غیر از این ده‌ها موارد دیگر هم بوده است. با کاریکاتوریست نیوزیلندی هم که در فضای مجازی ارتباط داشتم، می‌گفت: به خاطر کاریکاتوری علیه اسرائیل اخراج و بیکار شدم، معلوم شد آنجا هم فضای اختناق هست، برای من نوشت شما مفهوم اختناق را نمی‌فهمید، اگر اینجا یک کلمه درباره اسرائیل بگویی زندگی‌ات را از دست می‌دهی و جایگاه اقتصادی و اجتماعی نداری.

از قرار تنها بحث آزادی کاریکاتور شخصیت‌های مذهبی و ادیان در نشریات بدون محدودیت است؟

بله هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی در این باره نیست و این بیشتر از طرف صهیونیست‌هاست که چون با ادیان و شخصیت‌های مذهبی مشکل دارند و کاریکاتورهای زیادی با مسخره و اهانت می‌کشند، چنانچه بارها به همین صورت به حضرت مسیح توهین کرده‌اند یا پاپ را به شکل‌های مختلف با کاریکاتور مسخره می‌کنند، این وضعیت در اروپا که لائیک‌تر است به نسبت امریکا بیشتر رواج دارد و آزادتر هستند، مثلاً در نشریه شارلی ابدو کاریکاتورهای زیادی درباره اسلام و مسیحیت و دین یهود کشیده‌اند و با شخصیت‌های مذهبی دشمنی می‌کنند اما بحث صهیونیسم از همه اینها جداست. خط قرمزهایی برای مقدسات صهیونیست‌ها وجود دارد که خود کاریکاتوریست‌ها هم از این قوانین آگاهند و نباید از آن عبور کنند.

آیا امکان این وجود دارد شما و سایر کاریکاتوریست‌های دنیا مقابل چنین اهانت‌هایی برنامه‌ریزی و هماهنگی داشته باشید؟

در ایران متولی برای کاریکاتور وجود ندارد، حالا شما انتظار دارید هماهنگی بین کاریکاتوریست‌های دنیا صورت بگیرد. سال‌هاست به دنبال راه‌اندازی پایگاه ضدصهیونیسم در بحث بین‌المللی کاریکاتور در کشور هستیم، هنوز بعد از ۱۰ سال تلاش و پیگیری نهادهای فرهنگی و ضدصهیونیستی موفق نشده‌ایم آقایان را راضی کنیم یک پایگاه کاریکاتور ضدصهیونیستی راه‌اندازی شود و اتفاقی نیفتاده است.

در مقابل درباره بحث هولوکاست که پاشنه آشیل اهانت‌کنندگان به مقدسات اسلامی ماست چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

پس از انتشار کاریکاتورهای موهن دانمارکی در سال ۸۴ نشریات و روزنامه‌ها در اینجا عکس‌العمل ضعیفی داشتند. تنها اقدام، برگزاری جشنواره هولوکاست بود که در جواب آزادی بیان غربی شکل گرفت. در این جشنواره اعلام کردیم نمایشگاهی درباره هولوکاست و فلسطین برگزار می‌کنیم؛ نمایشگاهی که جنجال بین‌المللی به راه انداخت و ما آن را ادامه دادیم تا در سال ۸۶ کتاب کاریکاتوریست هولوکاست را منتشر کردیم که در روز قدس ۸۷ رونمایی شد، آن هم جنجال زیادی ایجاد کرد؛ ده‌ها سایت و وبلاگ صهیونیستی فقط برای چاپ یک کتاب کاریکاتور موضع‌گیری کردند. در سال ۸۹ سایت هولوکارتون به چند زبان راه‌اندازی کردیم که آن هم در حد کمپینی برای شکایت از ما به سازمان ملل یک موج بین‌المللی ایجاد کرد. در سال ۹۵ یک مسابقه هولوکاست با مخالفت‌های زیادی مواجه شد، به طوری که دبیر کل سازمان ملل با آن برخورد کرد. اینها نشان می‌دهد برعکس شعارهایی که می‌دهند آزادی بیان مطلق وجود ندارد. مسعود شجاعی‌طباطبایی می‌گفت خبرنگاری از بی‌بی‌سی گفته بود چرا شما در مقابل کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به پیامبر سراغ هولوکاست می‌روید، شما هم بیایید و کاریکاتور پیامبر آنها را بکشید. می‌گفت تعجب کردم و گفتم فکر می‌کنید دین مسیحیت و یهودیت دشمن ما هستند که چنین کاری بکنیم. حضرت مسیح پیامبر خداست توهین چه معنایی دارد، اگر کسی به پیامبر اسلام(ص) توهین کرد قرار نیست در مقابل به پیامبر آنها توهین کنیم، لذا عملاً اینگونه شده که موضوع هولوکاست از مسیح مقدس‌تر است.

نما | حسین کشتکار

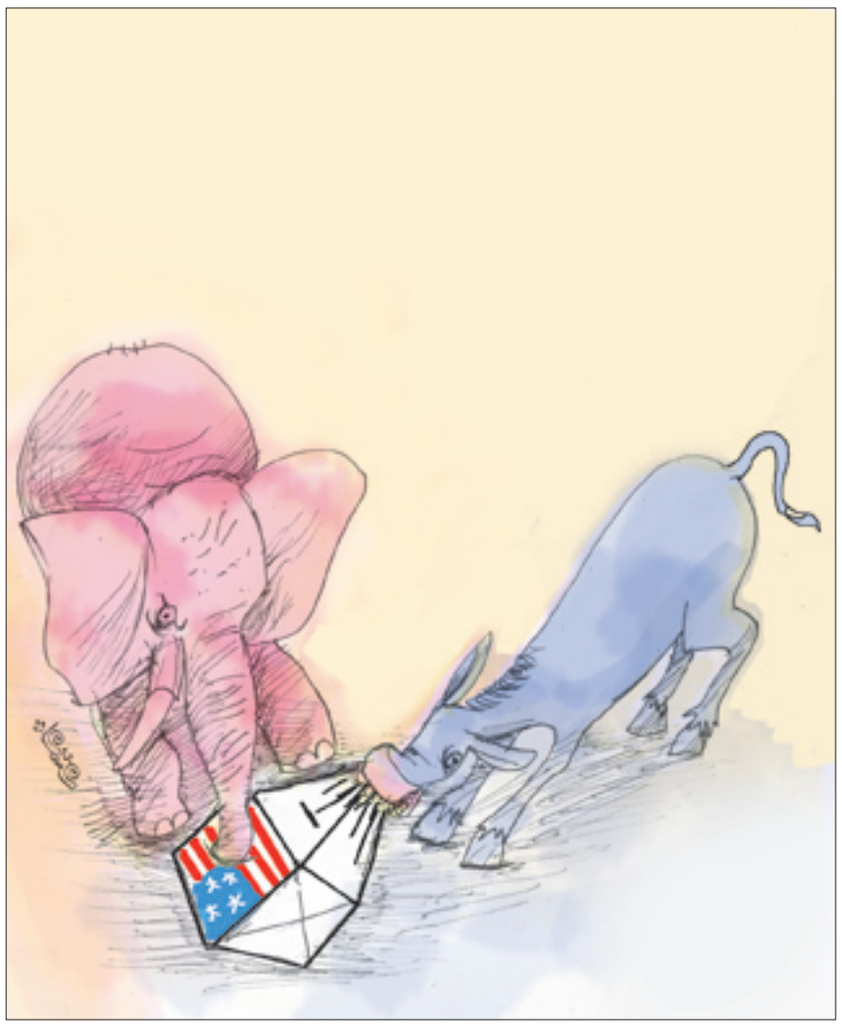

شنای تلویزیون هم‌جهت با سینما

با وجود تعطیلی سینما، تعداد برنامه‌های سینمایی تلویزیون در حال افزایش است

■ **محمدصادق عابدینی**

در روزی که سینماهای تهران خالی بودند و کسی برای تماشای فیلم به سینما نرفت و اکران آنلاین هم چنگی به دل نمی‌زند، تلویزیون از راه‌اندازی برنامه جدید سینمایی خبر داد تا جمع برنامه‌های سینمایی بیش از گذشته شود.

شبکه ۴ سیما با حضور تهیه‌کننده سابق برنامه «هفت»، دوباره دارای برنامه سینمایی به نام «ساعت سینما» شد. افزایش تعداد برنامه‌های سینمامحور در شرایطی صورت می‌گیرد که عملاً سینماها تعطیل شده‌اند و اکران آنلاین هم رونق چندانی ندارد. با اضافه شدن برنامه «ساعت سینما»، شبکه‌های «۳»، «۴»، «۵»، «خبر» و «افق» هر کدام دارای یک برنامه هفتگی سینمایی خواهند بود، البته فریدون جیرانی بنیانگذار برنامه هفت نیز در حال مذاکره با شبکه یک سیما برای راه‌اندازی برنامه‌ای سینمایی است. شبکه یک در گذشته نه چندان دور برنامه‌ای با عنوان «سینما یک» داشت.

ایجاد برنامه‌های سینمامحور برخلاف سیاست گذشته معاونت سیماست که در دوره حضور علی‌اصغر پورمحمدی تلاش می‌شد اجازه ایجاد برنامه‌هایی که با «هفت» در رقابت باشند، داده نشود. در آن دوره، غلامی مدیر وقت شبکه ۴ سیما با اصرار شدید برنامه‌ای سینمایی در آن شبکه راه‌اندازی کرد که با مخالفت معاون سیما تا مرز استعفا نیز پیش رفت اما با تغییر شرایط، راه‌اندازی برنامه‌های سینمایی رونق گرفت. شبکه ۵ سیما «نقد سینما» را با حمایت مالی و معنوی حوزه هنری راه‌اندازی کرد؛ برنامه‌ای که مجری آن بهروز افخمی است و تلاش دارد نزدیک‌ترین رقابت با «هفت» را داشته باشد. این برنامه‌ها حتی در ساعت پخش آنقدر به هم نزدیک هستند که بعضاً همزمان دو شبکه ۳ و ۵ به موضوع سینما می‌پردازند، با آنکه ساعت پخش برنامه‌های «هفت» و «نقد سینما» در کم‌بازدیدترین ساعت‌های تلویزیون قرار گرفته و همین موضوع بر کم‌اثر بودن دو برنامه افزوده است.

شبکه افق سیما با اجرای سعید الهی کارشناس رسانه، برنامه «افق سینما» را راه‌اندازی کرده است. این برنامه نیز با حمایت انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس تولید می‌شود. بنا بر آنچه از اهداف راه‌اندازی «افق سینما» بیان شده است، این برنامه با هدف معرفی و بررسی چالش‌های موجود در سینمای انقلاب اسلامی، دفاع‌مقدس و مقاومت به صورت ترکیبی تولید می‌شود و در برگیرنده گفت‌وگوهای کارشناسی و تحلیلی پیرامون موضوعات مختلف و نیز بخش‌های تصویری متنوع است.

برنامه «ساعت سینما» شبکه ۴ نیز آن طور که یوسف منصوری تهیه‌کننده آن مدعی است، قرار است به سینمای جهان بپردازد و در آن آیتم‌های مختلفی طراحی شده است و در هر برنامه کارشناس مدعو حضور خواهد داشت.

■ **وقتی «هفت» تکثیر شد!**

از زمان راه‌اندازی برنامه هفت که ابتدا حتی قرار بود نام «نود سینمایی» نیز داشته باشد، قرار بود با شکل‌گیری برنامه‌ای چالشی هر هفته مسائل سینمای ایران بررسی شود. هفت با حضور فریدون جیرانی آغاز به کار کرد و بعد از برکناری وی، به ترتیب محمود گبرلو، بهروز افخمی و محمدحسین لطیفی اجرای «هفت» را بر عهده گرفتند. نکته قابل توجه در اجرای برنامه هفت این است که هر کدام از مجری‌هایی که از این برنامه جدا شدند، به دنبال ایجاد برنامه‌ای مشابه هفت در شبکه‌های دیگر رفته‌اند، حتی منصوری که مدتی تهیه‌کننده «هفت» بود نیز اکنون یک برنامه سینمایی را در شبکه ۴ راه‌اندازی کرده است. همه این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که هیچ کدام از برنامه‌های در حال اجرا یا تعطیل شده تلویزیون نتوانسته‌اند به موفقیت چشمگیری دست یابند.

■ **تلویزیون برای سریال فکری کند!**

به رغم تعطیلی غیررسمی سینما، هنوز تلویزیون به واسطه اجبار برای پر کردن کنداکتور آنتن مجبور به تولید مجموعه‌های نمایشی است. پخش سریال‌های تازه در شبکه‌های مختلف سیما ادامه دارد. مدت‌هاست طرح‌هایی برای ایجاد برنامه‌ای مشابه با «هفت» برای نقد و بررسی سریال‌های تلویزیونی مطرح می‌شود ولی به نتیجه نمی‌رسد. تک‌تجربه‌هایی مانند آنچه بعد از سریال «پایتخت ۵» انجام شد نیز آنقدر ضعیف بود که نمی‌توانست الگوی خوبی برای تکرار باشد. به نظر می‌رسد تلویزیون بیش از اینکه برای برنامه‌سازی از طناب پوسیده سینما آویزان باشد، باید به دنبال نگاه به درون و ایجاد برنامه‌ای برای نقد سریال‌های تلویزیونی باشد.

سینما

تهیه‌کننده سینما مطرح کرد

باید با گسترش پلتفرم‌ها جلوی انحصار را بگیریم

سیدضیاهاشمی به تحلیل و بررسی گسترش پلتفرم‌ها و احتمال به وجود آمدن انحصار و لزوم جلوگیری از این اتفاق پرداخت.

سیدضیاء هاشمی تهیه‌کننده سینما درباره افزایش پلتفرم‌ها با توجه به عدم بازگشایی و جذب مخاطب در سالن‌های سینما به باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: در دنیا پلتفرم‌های زیادی وجود دارد، اما دو یا سه پلتفرم به شهرت رسیده‌اند، این بدین معنی نیست که تنها این پلتفرم‌ها مشغول فعالیت هستند. در کنار این اکران‌های آنلاین، پلتفرم یوتیوب تعبیه شده که به شکل دیگری فعال و درآمدزا و آفلاین است. باید با گسترش پلتفرم‌ها جلوی انحصار را بگیریم، اینکه یک یا دو پلتفرم فعالیت کرده و قیمت‌ها را کنترل کنند که افزایش پیدا نکند، امیدی به سازندگی و کیفیت بالا و تولید در سینما به وجود نمی‌آید.

وی ادامه داد: برای ایجاد پلتفرم‌های قوی نیاز به تولید سریال باکیفیت است. متأسفانه در ابتدای تولید سریال نمایش خانگی با آثار بسیار ضعیف مواجه شدیم و هم اینک هم شاهد آن هستیم. این دست آثار مخاطب‌گریز در نمایش خانگی باعث ریزش مخاطب می‌شود و صاحبان آثار و پلتفرم‌ها را دچار آسیب‌های جدی می‌کند، پس ابتدا باید تلاش کنیم سریال‌های نمایش خانگی باکیفیت روانه بازار کنیم تا بتوانیم مخاطبان بالقوه و فعال پلتفرم‌ها را نگه داریم و با ارائه آثار سینمایی باکیفیت مخاطبان جدید سینما را هم به این سمت سوق دهیم. هاشمی درباره عدم ایجاد انحصار در پلتفرم‌ها گفت: ۵۰مجوز ایجاد ساختار پلتفرم برای نمایش خانگی و اکران آنلاین ارائه شده است اما تنها ایجاد زیرساخت برای ایجاد پلتفرم کافی نیست. صاحبان پلتفرم‌ها باید نظارت درست و دقیقی در سرمایه‌گذاری تولید داشته باشند تا بتوانند در این حوزه موفق عمل کنند. هم اینک دو پلتفرم فعال داریم و پنج پلتفرم دیگر نیمه‌فعال هستند، از این دو هم یکی قوی است. باید صاحبان پلتفرم در ارائه خدمات دقت کنند و همچنین در انتخاب آثار سینمایی برای اکران آنلاین تا بتوانند فعالیت مداوم و موفق داشته باشند. مخاطب به دیدن سریال نمایش خانگی از طریق پلتفرم و آنلاین عادت دارد، همین مخاطب را باید نگه داشت و به آنها، مخاطب سینما هم اضافه کرد تا بتوان موفق عمل کرد. وی تصریح کرد: یکی از آفت‌های صاحبان پلتفرم‌ها برای آثار سینمایی قراردادهای سفت و سختی است که در بخش‌های مختلف و در مدت‌های معین می‌بندند و اجازه ارائه هر گونه فیلم توسط صاحب آثار را در نسخه‌های نمایش از صاحب اثر سلب می‌کنند و بخشی از سرمایه صاحب اثر با دریافت پول ناچیزی در بخش‌های مختلف از جمله SOD، TOD و IOD در اختیار صاحب پلتفرم قرار می‌گیرد، با یک قراردادی که پول چندانی هم پرداخت نمی‌کنند.

کتاب

به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی انجام می‌شود

نشست و رونمایی مجموعه «تهران از منظر هنرمندان»

به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی از شش کتاب پیرامون سرمایه‌های نمادین تهران با عنوان تهران از منظر هنرمندان رونمایی خواهد شد.

انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران شش عنوان کتاب از مجموعه کتب سده رونمایی کرده است و به بهانه آن، به تهران از منظر هنرمندان خواهد پرداخت. مجموعه کتب سده که حاصل همکاری انتشارات علمی و فرهنگی و مرکز ارتباطات شهرداری تهران است، به تقویت هویت تهران و کسانی که در شکل‌گیری این هویت نقش برجسته‌ای داشته‌اند، در بازه زمانی ۱۰۰ساله پرداخته و شامل «۱۰۰سال نقاشی در تهران»، «۱۰۰سال عکاسی مناظر شهری»، «۱۰۰سال گرافیک در تهران»، «۱۰۰سال کاریکاتور در تهران»، «۱۰۰سال شعر در تهران» و «۱۰۰سال نویسندگی در تهران» است، به دنبال معرفی افرادی است که در شکل‌گیری تصویر و برند امروز تهران نقش داشته‌اند. شهردار تهران در مقدمه این مجموعه نوشته است:

این مجموعه «گامی است که شاید نقطه شروع آن را بتوان ثبت و معرفی این سرمایه‌های نمادین و تأثیرگذار برشمرد. شخصیت‌ها و آثاری که بر بستر شهر یا متأثر از این شهر به وجود آمده و بالیده‌اند و امروز میراث و سرمایه‌ای هستند که برای فرزندان ماست و بخش مهمی از هویت و تاریخ شهر و کشور ما را نمایندگی می‌کنند.»

سلسله نشست‌های تهران از منظر هنرمندان محدود به این شش کتاب نخواهد بود و در ادامه با عنوان‌های دیگر و منظرهای دیگر نیز ادامه خواهد داشت. این نشست‌ها به صورت مجازی و بدون حضور حضار در استودیو انتشارات علمی-فرهنگی برگزار و از طریق شبکه شهر و آپارات و دیگر پلتفرم‌های مجازی پخش خواهد شد.

شعر

جزئیات «منظومه قاسم سلیمانی» از زبان افشین علا

منظومه سلیمانی را با اشک چشم سرودم

افشین علا که منظومه شعرش درباره سردار سلیمانی با تقریظ مقام معظم رهبری همراه شده است، برای اولین‌بار جزئیات این اثر فاخر را تشریح کرد.

«منظومه قاسم سلیمانی» مجموعه شعری در توصیف سردار شهید قاسم سلیمانی است که توسط افشین علا شاعر برجسته کشور سروده شده است. این منظومه مورد توجه رهبر انقلاب نیز قرار گرفت و ایشان بر این کتاب تقریظ نوشتند.

افشین علا خالق «منظومه قاسم سلیمانی» درباره روند شکل‌گیری این منظومه تسنیم گفت: مدت‌ها بود که می‌خواستم چنین کاری انجام دهم، با این حال موضوعی که تاکنون گفته نشده این است که طرح این کار را در ابتدا آقای وحید حقانیان که از دوستان سردار سلیمانی بودند، به من پیشنهاد دادند. ایشان پیشنهاد تمثیلی را دادند و آن هم تمثیل آرش کمانگیر و قاسم سلیمانی بود. با خودم فکر می‌کردم که چقدر زیباست و چرا به ذهن خودم نرسیده بود؟

وی ادامه داد: برای آغاز این منظومه، سفری به کرمان داشتم و مزار سردار را زیارت کردم و پس از آن بود که سرودن اشعار را آغاز کردم. این شاعر برجسته کشورمان با اشاره به مضمون ابیات این منظومه شعری گفت: اینکه بدانیم چهره آرش در ادبیات حماسی ایران چه شکلی است و چگونه می‌توان از این ظرفیت بهره برد؟ به نظرم هیچ مصداق عینی به جز شهید سلیمانی برای آرش کمانگیر پیدا نمی‌شود. آرش یکی از اسطوره‌های شعر فارسی است اما حاج قاسم سلیمانی این اسطوره را به عینیت رساند و به عبارت دیگر، تجسم آن اسطوره در واقعیت شد. آرش کمانگیر جان خود را در تیری قرار داد که آن تیر، اقتدار و گستردگی مرزهای ایران را به تصویر کشید و همین موضوع سبب جاودانگی او شد. شهید سلیمانی هم جان خود را در سخت‌ترین شرایط در کف گذاشت و حوزه اقتدار ما را از مرزهایمان تا مدیترانه و تا قلب رژیم صهونیستی فراتر برد و در این راه جانش را نیز فدا کرد. از این منظر، کار ایشان شبیه همان در چله گذاشتن تیری است که آرش انجام داد. شهید سلیمانی جانش را فدا اما امنیت و اقتدار ما را تضمین کرد. این تمثیل بسیار زیباست.

وی با اشاره به اینکه از تابستان امسال سرودن این اشعار را آغاز کرده است، گفت: وسواس زیادی روی این منظومه داشتم و به قول شاعر با عرق‌ریزی روح و آب چشم این کار را انجام دادم.

علا خاطرنشان کرد: این منظومه ۲۰۰بیت دارد، در ابتدا از حماسه آرش کمانگیر شروع شده و پس از آن با گذر از قرن‌ها وارد مقطع انقلاب اسلامی می‌شویم.